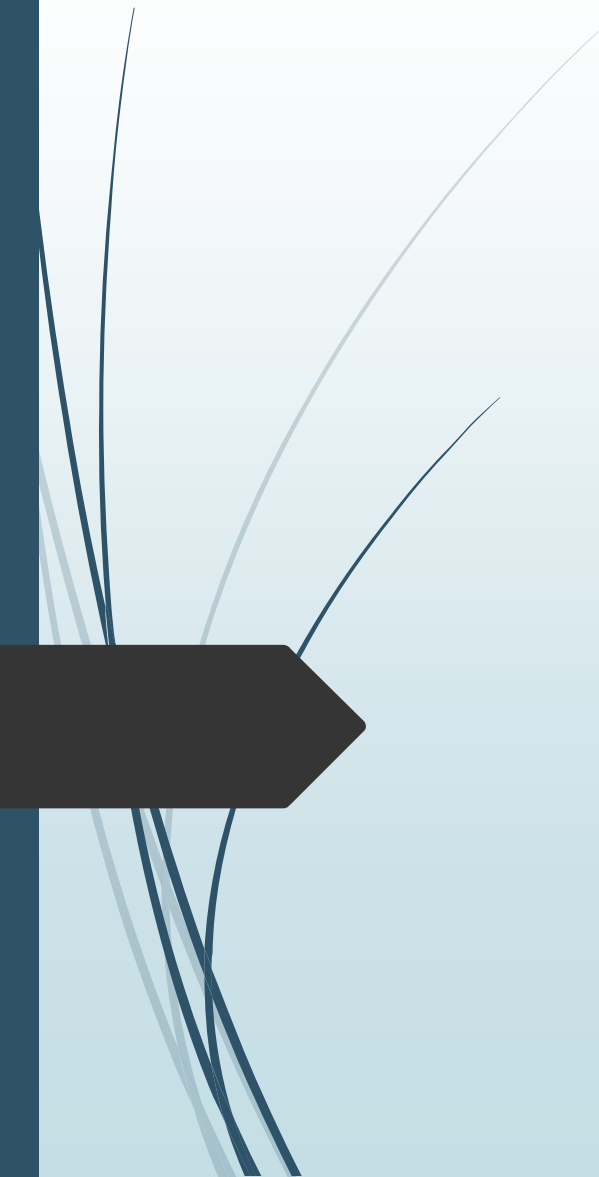


مبانی آموزش هنر

مدرس : مهدیه نجمی

گروه هنر پردیس باهنر اراک



قصه و قصه گویی

➤ قصه، ابزاری برای انتقال فرهنگ شفاهی و ایجاد ارتباط کلامی و غیر کلامی مؤثر بین دانش آموزان است که با هدایت معلم شکل می گیرد و جریان می یابد. همچنین، محملی است که با تقویت زمینه ی تخیل، بستر تلفیق سایر رشته های هنری برنامه را فراهم می آورد.

اهمیت قصه و جایگاه آن

- قصه و قصه گوی، موضوعی آشنا برای همه ی انسان ها در همه ی روزگاران و جوامع است.
- انسان ها در سفر و حضر، در غم و شادی، در تنهایی و جمع و حتی در گیرودار جنگها و بحرانهای زندگی با قصه همراه و مأنوس بوده‌اند؛ به همین علت، قصه را هم زاد انسان و زمان شکل گیری نخستین قصه ها را روزهای آغازین زندگی انسان در زمین، میدانند.
- قصه، تنها، فاتح دنیای کودکان نیست بلکه بزرگسالان نیز در لحظه شنیدن با خواندن قصه، درست مثل کودکان، با قصه جاری و همراه می شوند و صمیمیت و صفای کودکانه می یابند.
- پادشاهان ایرانی قصه گویانی داشته اند که در لحظه ی اندوه یا شادی و به ویژه هنگام خواب به آنها آرامش می بخشیده اند. شهرزاد قصه گو در هزار و یک شب نمونه ای از این قصه گویان است.
- در کتاب های آسمانی با شیوهای خاص، داستان هایی برای عبرت، تذکر، هدایت و انذار مطرح شده است ؛ تورات، انجیل و قرآن سرشار از داستانهایی هستند از انبیا، اقوام و تمدن هایی که آمده اند و رفته اند و زندگی آنها چراغ راه دیگر انسان ها شده است

تعاریف

- در تعریف قصه می توان گفت : سخن یا نوشته ای است از روزگاران قدیم که در آن شخصیت های گوناگون خیالی یا واقعی، ماجراهایی می آفرینند. قصه ها از روزگاران قدیم برای آموزش، انتقال تجربه ها و تاریخ هر قوم از نسلی به نسل دیگر پدید آمده اند.
- منظور از افسانه، داستانی است که در آن انسان ها، جانوران، اشیا یا موجودات تخیلی، ماجراهای گوناگون باورنکردنی به وجود می آورند ؛ برای نمونه، در بعضی از افسانه ها، از قالیچه یا تخت یا بال هایی سخن گفته شده است که انسان به کمک آنها به پرواز در آمده است. اگرچه پرواز انسان با این وسیله ها واقعیت ندارد ولی بیانگر آرزوی انسان برای کاستن از رنج سفر و گاهی پاسخ گوی کنجکاوی های اوست.
- داستان به نوشته های گفته میشود که در آن، نویسنده فکر اصلی خود را در قالب حکایتی به خواننده ارائه دهد ؛ خواه این داستان کام جنبه ی تخیلی و غیرواقعی داشته باشد و خواه واقعیات زندگی در آن با رنگ و روغن تخیل و پرداخت نویسنده، آرایش دیده باشد.
- در ادبیات سنتی ما، ماجراهای کوتاه، به تشر و نظم، مستقل یا در ضمن موضوعات، در کتاب ها ذکر می شده است که به آنها «حکایت» می گفته اند. در کتاب هایی چون گلستان و بوستان سعدی، مثنوی مولانا و بهارستان جامی از این حکایات فراوان می توان یافت.

کارکردهای قصه برای کودکان

۱- زبان آموزی : قصه های کودک را با واژگان، اصطلاحات، تام ها، ضرب المثل ها و ... آشنا می سازند.

۲- انتقال مفاهیم: قصه به علت کشش، زیبایی و نقشی که در برانگیختن حس کنجکاوی دارد، می تواند بسیاری از مفاهیم را به کودک منتقل کنند. هم چنین با انتقال مفاهیم، به روش غیر مستقیم، نه تنها باعث جذب بهتر و سریع تر مفاهیم به ذهن و زبان کودک می شود بلکه فهم آنها را عینی تر و ساده تر می سازد

۳- تقویت حس کنجکاوی: قصه ها به علت دربرداشتن زنجیره ی حوادث، کودک را وا می دارند که به تعقیب حوادث بپردازد یا آن چه را در قصه می شنود، در دنیای بیرون جست و جو کند.

۴- پرورش قدرت تخیل و خلاقیت: در قصه ها عنصر تخیل بسیار قوی و مؤثر است؛ در بسیاری از قصه ها، عناصر تخیلی حضوری برجسته دارند. تخیل کودک با شنیدن و خواندن داستان پرورش می یابد.

۵- آشنایی با واقعیت های زندگی کودک با شرکت کردن در تجربه های تلخ و شیرین

۶- انتقال ارزش ها: همراهی با قهرمانان قصه، باعث میشود که صفات، فضیلتها و ارزش های آنان با روح و جان کودک آمیخته شود.

۷- اصلاح رفتار: قصه ها می توانند به اصلاح، بهبود و تغییر رفتار کمک کنند ؛ به عبارت دیگر، مقصد قصه، عبرت آموزی بوده است.

۸- تعامل اجتماعی: اگر کودکان در جریان قصه فعال شوند و حتما قبل از گفتن قصه، از آنها بخواهیم که در پرسش و پاسخ های بعد از قصه شرکت کنند و نظر خود را در مورد فسه و قصه گو بگویند، توجه و دقت شنوایی آنها تقویت می شود. هم چنین، زمینه ای فراهم می شود که آنها با سخن گفتن و بیان احساسات، شیوه های ارتباط با دیگران را تمرین کنند. این شیوه، به ویژه برای کودکان خجالتی و انزواطلب بسیار کارا و مؤثر است

۹- پیوند فرهنگی: قصه ها عامل انتقال میراث فرهنگی و پیوند میان امروز و گذشته اند. کودکان با شنیدن قصه ها به آرمان ها، آرزوها، رنجها و شادی ها، باورها و نوع زندگی گذشتگان پی می برند.

ویژگی های قصه خوب برای کودک

- ۱- هم خوان با احساسات و علایقی کودکان و هماهنگ با فضای ذهنی آنان باشند.
- ۲- دارای ساخت داستانی مناسب کودکان باشند، در کودک انگیزهی تعقیب ماجراها را ایجاد کنند، هیجان انگیز باشند و از منطق داستانی تبعیت کنند.
- ۳- کوتاه و جذاب و ساده باشد
- ۵- با ظرفیت روانی مخاطب و شرایط زمانی که در آن قصه بیان می شود، هماهنگ باشند.
- ۶- با مخاطبان خود هم خوانی فرهنگی داشته باشند،
- ۷- به گونه ای باشد که کودک، نتواند از همان آغاز، انتهای آن را حدس بزند.
- ۸- در مخاطب تأثیر مثبت داشته باشند و رفتارهای منفی را در او دامن نزنند .



مقدمات قصه گویی

۱- انتخاب قصه مناسب

۲- زمان و فضای مناسب قصه گویی

۳- شنوندگان قصه

۴- قصه گو و آمادگی روانی و ظاهری او

۵- ابزار و لوازم قصه گویی.

قصه گو

۱- قصه را خوانده باشد ؛ اگر قصه را از کتاب می گوید، حتما از قبل با آن آشنا شود تا هنگام قصه گویی، درنگها، زیر و بیم ها و فضاهای مناسب کلامی را برای قصه خلق کند.

۲- قصه ای که انتخاب می کند، کوتاه و ساده باشد ؛

۳- قصه ای را که خود نیز دوست دارد، بگوید. کودک از خطوط چهره ی قصه گو، علاقه مندی او را می خواند.

۴- در حین گفتن قصه، از فضای قصه بیرون نرود. قطع کردن قصه، گفت و گو با دیگران، خوردن و انجام دادن هر کار دیگری جز قصه گویی، سوءظن کودک را به این که قصه گو به قصه بی علاقه یا کم توجه است، بر می انگیزد.



۵- صبور و با حوصله باشد ؛ شتاب برای تمام کردن قصه به معنای بی علاقگی و بی توجهی به احساسات کودکان است. اگر کودکان در لابه لای قصه پرسشی طرح کنند، قصه گو نباید بی حوصله یا عصبانی شود. در عین حال، او باید از پاسخ دادن به پرسش هایی که در طول قصه به آنها پاسخ داده می شود، پرهیزد.

۶- با تغییر صدا و حرکات سر، دستها و بدن به تناسب شخصیت های قصه، قصه را برای شنوندگان خود هر چه جالب تر، شیرین تر و دل پذیر تر کند.

۷- از به کار بردن تکیه کلامهای نایه جا که در جریان قصه گویی نوعی عایق به حساب می آیند، پرهیزد.

۸- با کودک رابطه ی عاطفی برقرار کند و فاصله ی خود را با او به حداقل برساند. لبخند، ارتباط و حالات قصه گو، بار سنگینی را در انتقال و القای بهتر قصه به دوش می کشند.

۹- لحن و حرکات قصه گو در اوج قصه قوی باشد اما هر چه به انتهای قصه نزدیک می شود، باید لحن و حرکاتی آرامش بخش داشته باشد. در انتهای قصه نیز باید مراقب تأثیر قصه در روح و ضمیر کودکان باشد

۱۰- زبان و بیانی رسا (صاحبان لهجه در مناطق خود ممکن است با استفاده از زبان محلی برای قصه گویی، فضایی بهتر و مؤثرتر بسازند).

۱۱- لباس مناسب بپوشد و ظاهری دل چسب و آراسته داشته باشد.

۱۲- از گفتن و خواندن قصه هایی که بدآموزی دارند و به خصلتهای نا پسندی چون حسادت، حساسیت، دروغ گویی، آزار و اذیت دیگران دامن می زنند یا در اعتقادات درست، تردید و تزلزل ایجاد می کنند، پرهیزد.



۱۳- در گزینش قصه، به زمان و فضایی که در آن قصه می گوید، توجه کند.

۱۴- قصه را به شکلی مناسب شروع و تمام کنند. در سنت قصه گویی ما، یکی بود، یکی نبود یا روزی بود، روزگاری بود جمله های ورودی به قصه اند. پایان قصه ها نیز مهم است. معمولا قصه ی ما به سر رسید، کلاغه به خونه ش نرسید حسن ختام بسیاری از قصه های کودکانه ی ایرانی است. قصه گو به ابتکار خود می تواند از این جمله ها یا هر جمله ای که مناسب باشد، بهره بگیرد.

۱۵- با درنگ و سکوتی کوتاه مدت، پس از عبور از یک حادثه ی داستان یا در موقعیت مناسب، به نوعی ذهن کودک را فعال کنند. سکوت، لحظه ی بیهودگی برای کودک نیست بلکه لحظه ی فعال شدن ذهن است تا به آنچه شنیده است یا خواهد شنید، بیندیشد و آن چه را دوست داشتنی است، مزه مزه کند .